

سرکار خانم سحر براتی بروجنی

دانشجو دکتری  
رشته روابط بین الملل  
دانشگاه اصفهان

## تجاوز نظامی

و راهکارهای حقوقی  
بین‌المللی در برابر آن

تجاوز نظامی به‌عنوان یکی از جدی‌ترین نقض‌های نظم و صلح بین‌المللی، همواره چالشی اساسی برای جامعه جهانی بوده است. تاریخ پر است از نمونه‌های تلخ و دردناک این پدیده که پیامدهای ویرانگری برای بشریت به بار آورده است. از زمان شکل‌گیری نظام بین‌المللی مدرن، تلاش‌های فراوانی برای تدوین و اجرای سازوکارهایی به‌منظور مقابله با این پدیده صورت گرفته است. این تلاش‌ها در بستر حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصول منشور ملل متحد و قواعد حقوق بشردوستانه، تجلی یافته است.

نوشتار حاضر، در صدد است تا با رویکردی جامع و تحلیلی، سازوکارهای حقوقی موجود را در مقابله با تجاوز نظامی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. هدف اصلی این پژوهش، نه تنها تشریح چارچوب‌های حقوقی موجود، بلکه شناسایی خلأها، چالش‌ها و کاستی‌های موجود در اجرای مؤثر این سازوکارها در عرصه عمل است. در نهایت، این مقاله به دنبال ارائه راهکارهای عملی و جامع برای تقویت نظام حقوقی بین‌المللی به‌منظور تضمین صلح و امنیت جهانی و پاسخگویی عادلانه در برابر ناقضان این اصول است. این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره می‌برد. در بخش توصیفی، مفاهیم کلیدی مرتبط با تجاوز نظامی، از جمله تعریف حقوقی آن و سازوکارهای قانونی موجود در چارچوب حقوق بین‌الملل، تشریح و تبیین می‌گردند. در بخش تحلیلی، این مفاهیم و سازوکارها با توجه به رویه عملی دولت‌ها و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند.

کلیدواژگان: تجاوز نظامی، حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد، صلح و امنیت جهانی، مسئولیت بین‌المللی.

## مقدمه

تجاوز نظامی از دیرباز، یکی از تلخ‌ترین و ویرانگرترین پدیده‌ها در تاریخ روابط بین‌الملل بوده است. این عمل که مصداق بارز نقض فاحش حاکمیت ملی و تمامیت ارضی دولت‌هاست، نه تنها زندگی میلیون‌ها انسان را به تباهی کشانده، بلکه نظم جهانی و صلح و امنیت بین‌المللی را نیز به‌طور جدی به مخاطره انداخته است. از زمان شکل‌گیری دولت-ملت‌های مدرن و تدوین اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، تلاش‌های مستمری برای محدود کردن دامنه استفاده از زور و منع توسل به جنگ صورت گرفته است. منشور ملل متحد، به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوق بین‌الملل معاصر، با تصریح بر اصل ممنوعیت توسل به زور، چارچوبی را برای مدیریت این پدیده خطرناک فراهم آورده است.



با این حال، تاریخ پس از جنگ جهانی دوم نیز گواه آن است که تجاوز نظامی همچنان به اشکال مختلف، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، جامعه جهانی را تهدید می‌کند. انگیزه‌های گوناگون از جمله منافع ملی، منافع ایدئولوژیک، منافع اقتصادی و حتی توجیهات به‌ظاهر قانونی، باعث شده است تا برخی دولت‌ها در مقاطع مختلف، حاکمیت و تمامیت ارضی دیگران را نقض کنند. این وضعیت، ضرورت بازنگری و تقویت مستمر سازوکارهای حقوقی بین‌المللی در برابر تجاوز نظامی را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد. مقاله حاضر با عنوان «راهکارهای حقوقی بین‌المللی در برابر تجاوز نظامی»، در صدد است تا با نگاهی جامع، سازوکارهای موجود در نظام حقوق بین‌الملل را در سه حوزه اصلی مورد بررسی قرار دهد:

- راهکارهای پیشگیرانه: اقداماتی که با هدف جلوگیری از وقوع تجاوز نظامی انجام می‌شود؛
  - راهکارهای واکنشی و جبرانی: اقداماتی که پس از وقوع تجاوز نظامی، برای توقف آن و جبران خسارات وارده صورت می‌گیرد؛
  - ایجاد نظام حقوقی جامع: بررسی ضرورت‌ها و پیشنهادهایی برای تدوین چارچوب‌های حقوقی فراگیرتر و کارآمدتر در راستای مقابله با تجاوز نظامی.
- هدف از این پژوهش، ارزیابی اثربخشی سازوکارهای فعلی، شناسایی خلأهای قانونی و عملی و ارائه پیشنهادهایی برای تقویت بنیادهای حقوقی حاکم بر نظم بین‌المللی و تضمین صلح پایدار است.

## تعریف مفاهیم

این بخش به بسط مفاهیم کلیدی و مبانی نظری می‌پردازد که اساس تحلیل راهکارهای حقوقی بین‌المللی در برابر تجاوز نظامی را تشکیل می‌دهند.

## مفهوم تجاوز نظامی در حقوق بین‌الملل:

یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در بررسی راهکارهای حقوقی، تعریف دقیق و شفاف تجاوز نظامی است. در حقوق بین‌الملل، تجاوز نظامی به معنای استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک دولت، یا به هر نحو دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد مغایرت داشته باشد تعریف شده است. قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد شماره ۳۳۱۴ (XXIX) مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴

که با عنوان «تعریف تجاوز» شناخته می‌شود، نقش بسزایی در شفاف‌سازی این مفهوم ایفا کرده است (Crawford, 2019: 80). این قطعنامه، هرچند از نظر حقوقی الزام‌آور نیست، اما به طور گسترده‌ای به‌عنوان بازتابی از حقوق بین‌الملل عرفی در این زمینه تلقی می‌شود. طبق این قطعنامه، تجاوز نظامی شامل موارد زیر است (اما محدود به آن‌ها نیست):

- حمله توسط نیروهای مسلح یک دولت به قلمرو دولت دیگر: این شامل اشغال نظامی، حتی به طور موقت و نیز الحاق قلمرو دولت دیگر از طریق توسل به زور است؛

- بمباران یا حمله با هر نوع سلاح توسط نیروهای مسلح یک دولت به قلمرو دولت دیگر: این شامل حملات هوایی، دریایی، یا زمینی می‌شود؛

- محاصره بنادر یا سواحل یک دولت توسط نیروهای مسلح دولت دیگر: این اقدامی است که می‌تواند جریان اقتصادی و حیاتی یک کشور را مختل کند (Evans, 2024: 45)؛

- حمله توسط نیروهای مسلح یک دولت به نیروهای مسلح، کشتی‌ها یا هواپیماهای دولت دیگر: این شامل درگیری‌های مستقیم نظامی است (Crawford, 2019: 120)؛

- استفاده از نیروهای مسلح یک دولت که در قلمرو دولت دیگر با موافقت دولت میزبان حضور دارند، به‌گونه‌ای که منجر به نقض شرایط توافق شده یا استفاده غیرقانونی از آن‌ها شود: این موضوع، ابعاد پیچیده‌ای از دخالت خارجی را شامل می‌شود؛

- اعزام دسته‌های مسلح، گروه‌ها، نیروهای نامنظم یا مزدوران توسط یک دولت یا از طرف آن که برای انجام اعمال خشونت‌آمیز شدید علیه دولت دیگر به کار گرفته شوند: این یکی از مهم‌ترین اشکال تجاوز غیرمستقیم است که شناسایی و اثبات آن دشوارتر است (Wright, 2017: 12)؛

- انجام حملات سایبری یا اقدامات مشابه که منجر به خسارات گسترده یا مرگبار برای زیرساخت‌های حیاتی یک دولت شود: با پیشرفت فناوری، این جنبه از تجاوز نظامی اهمیت فزاینده‌ای یافته است؛

- استثنائات و موارد مشروعیت توسل به زور نیز باید در کنار تعریف تجاوز مورد توجه قرار گیرند. این استثنائات عمدتاً شامل موارد زیر می‌گردد:

**دفاع مشروع:** مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، هر دولتی در صورت وقوع حمله مسلحانه، حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی را داراست تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام دهد (Evans, 2024: 33).

**اقدامات قهری تحت فصل هفتم منشور ملل متحد:** شورای امنیت، با تشخیص وجود تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز، می‌تواند اقدامات قهری از جمله استفاده از زور را برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی تجویز کند (Hironobu, 2020: 31). این تعاریف مفهومی، بستری را فراهم می‌آورد تا بتوانیم به طور دقیق‌تر به تحلیل راهکارهای حقوقی در مواجهه با تجاوز نظامی، پردازیم. حقوق بین‌الملل مجموعه متنوعی از سازوکارها را برای پیشگیری، واکنش و جبران خسارات ناشی از تجاوز نظامی فراهم کرده است. این سازوکارها را می‌توان در چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

#### ۱) پیشگیری از تجاوز نظامی

اقدامات پیشگیرانه، اولویت اول در نظام حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. این اقدامات شامل:

- توسل به دیپلماسی و میانجیگری: استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، مذاکرات و میانجیگری توسط سازمان‌های بین‌المللی (مانند سازمان ملل متحد، سازمان امنیت و همکاری اروپا) و دولت‌های ثالث برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و جلوگیری از تشدید تنش‌ها (Inter-national Committee of the Red Cross). نمونه‌هایی از نقش دیپلماسی در جلوگیری از تجاوز نظامی: نقش سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) در اوکراین (پیش از ۲۰۲۲)؛ اعزام ناظران و تسهیل مذاکرات مکرر بین دولت اوکراین و نمایندگان جدایی‌طلبان در دونباس، از جمله تلاش‌ها برای اجرای توافقنامه‌های مینسک. این تلاش‌ها به منظور کاهش تنش‌ها و جلوگیری از تشدید منازعه به یک تجاوز نظامی تمام‌عیار صورت گرفت (Härtel & et al., 2021).

• **حلول فصل مسالمت آمیز اختلافات:** مطابق فصل ششم منشور ملل متحد، دولت‌ها موظف به حل و فصل اختلافات خود از طریق ابزارهای مسالمت آمیز مانند مذاکره، تحقیق، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی، یا توسل به سازمان‌های منطقه‌ای هستند (6: 2002 Greenwood). به عنوان مثال، پس از جنگ مرزی بین اریتره و اتیوپی، طرفین بر اساس توافق نامه الجزیره (۲۰۰۰)، اختلافات مرزی خود را به کمیسیون مرزی اریتره-اتیوپی سپردند. این مکانیسم داوری، با هدف حل و فصل نهایی مناقشه برای جلوگیری از درگیری‌های آتی طراحی شد (EEBC, 2002).

• **حقوق بین‌المللی بشردوستانه:** (IHL) تدوین و پایبندی به قواعد بین‌المللی بشردوستانه، از جمله کنوانسیون‌های ژنو، به منظور کاهش رنج انسانی در زمان درگیری و ایجاد ضمانت‌های اخلاقی و حقوقی برای رفتار متناسب، خود می‌تواند بازدارنده باشد (31: 2006 Walzer). به عنوان مثال، نیروهای نظامی در سراسر جهان موظف به پیروی از اصل تفکیک هستند، به این معنی که باید همیشه بین اهداف نظامی و غیرنظامیان تمایز قائل شوند. این الزام به طور مداوم توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) نظارت و آموزش داده می‌شود و محدودیت مهمی بر استفاده از زور برای جلوگیری از تجاوزات است (Casey-Maslen & Vestner, 2022: 201).

• **حقوق خلع سلاح و کنترل تسلیحات:** معاهدات مربوط به خلع سلاح، کاهش تنش و کنترل انتشار تسلیحات، به ویژه سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، نقش مهمی در کاهش احتمال وقوع جنگ و تجاوز نظامی ایفا می‌کنند (Maslen, 2021: 52).

• **سیستم امنیت جمعی ملل متحد:** تلاش برای تقویت کارایی شورای امنیت در تشخیص تهدیدات و اتخاذ اقدامات پیشگیرانه، از جمله صدور قطعنامه‌های هشدار دهنده، اعزام نیروهای حافظ صلح (با مأموریت‌های پیشگیرانه) و اعمال تحریم‌های پیشگیرانه. استقرار نیروهای حافظ صلح در قبرس که از دهه‌ها پیش در منطقه حائل (خط سبز) مستقر شده است تا از درگیری مجدد بین جامعه یونانی و ترک‌تبار قبرس جلوگیری کند، نمونه‌ای بارز از استقرار پیشگیرانه نیروی حافظ صلح برای مهار یک درگیری محلی و جلوگیری از تبدیل آن به تجاوز نظامی گسترده‌تر است (UN, 2021).

• **اقدامات اعتمادساز:** توافقات بین‌المللی برای شفافیت در فعالیت‌های نظامی، تبادل اطلاعات و ایجاد کانال‌های ارتباطی برای کاهش سوء تفاهم‌ها و تنش‌ها. در این رابطه می‌توان به معاهده آسمان باز (Open Skies Treaty - ۱۹۹۲) اشاره کرد. این توافق به کشورهای عضو اجازه می‌دهد پروازهایی بدون مسلح شدن بر فراز قلمرو یکدیگر انجام دهند تا شفافیت در مورد استقرار و فعالیت‌های نظامی تضمین شود. هدف اصلی آن، کاهش سوء تفاهم‌ها و ارزیابی‌های نادرست در مورد نیت نظامی طرفین است که اغلب محرک اصلی تجاوزات نظامی هستند (31: Britting & Spitzer, 2002).

## ۲) واکنش به تجاوز نظامی

در صورتی که اقدامات پیشگیرانه شکست بخورد و تجاوز نظامی صورت گیرد، حقوق بین‌الملل سازوکارهایی را برای واکنش فوری و مؤثر پیش‌بینی کرده است:

• **اقدامات تحت فصل هفتم منشور ملل متحد:** این مهم‌ترین سازوکار جمعی برای واکنش به تجاوز است. شورای امنیت سازمان ملل متحد، پس از تشخیص تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز (ماده ۳۹ منشور)، می‌تواند اقدامات غیرنظامی (مانند تحریم‌های اقتصادی، قطع روابط دیپلماتیک) یا اقدامات نظامی (مانند عملیات هوایی، دریایی یا زمینی) را تجویز کند. تصمیمات شورای امنیت تحت فصل هفتم برای همه کشورهای عضو لازم‌الاجرا است (35: Hironobu, 2020).

• **دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور ملل متحد):** این نوع دفاع، حق ذاتی هر دولت در صورت وقوع حمله مسلحانه، برای دفاع از خود است. این دفاع باید متناسب داشته باشد و تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را انجام دهد، ادامه یابد. نمونه عینی دفاع مشروع را می‌توان در حمله عراق به کویت (۱۹۹۰) دید. پس از حمله عراق به کویت، کویت حق ذاتی دفاع مشروع خود را بر اساس ماده ۵۱ اعمال کرد. این دفاع مشروع به سرعت توسط جامعه جهانی با صدور قطعنامه ۶۶۰ (که حمله عراق را نقض صلح تلقی کرد) پشتیبانی شد و متعاقباً

به عملیات نظامی جمعی تحت فصل هفتم (عملیات سپر صحرا و طوفان صحرا) تبدیل شد (Dinstein, 2017: 16).

• اقدامات از طریق سازمان‌های منطقه‌ای: مطابق فصل هشتم منشور ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای می‌توانند در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نقش ایفا کنند. این سازمان‌ها می‌توانند در شناسایی تهدیدات، میانجیگری و حتی اجرای اقدامات قهری (با اجازه شورای امنیت) دخالت کنند. مثال عینی درباره این مورد، پاسخ سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) به تلاش برای کودتا در ونزوئلا (۲۰۰۲) یا بحران دومینیکن (۱۹۶۵) است. در بحران دومینیکن، (OAS) یا مجوز شورای امنیت، نیروی بین‌آمریکایی را برای برقراری نظم اعزام کرد. در نمونه‌های بعدی، اگرچه شورای امنیت رأی صریحی نداد، این سازمان به طور فعال از طریق فرآیندهای سیاسی و دیپلماتیک خود (مانند تعلیق عضویت یا بیانیه‌های جمعی) بر دولت‌های متخلف فشار وارد کرده است تا از تشدید وضعیت به تجاوز نظامی یا نقض گسترده حقوق بشر جلوگیری کند (Perina, 2014: 15).

• اقدامات خودیاری در غیاب واکنش مؤثر شورای امنیت: در شرایطی که شورای امنیت قادر به اقدام مؤثر نباشد (به دلیل حق وتو یا اختلاف نظر)، برخی از حقوق‌دانان و دولت‌ها معتقدند که ممکن است برخی اقدامات خودیاری در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی مانند دفاع مشروع گسترده یا مسئولیت محافظت توجیه‌پذیر باشند، هرچند این موضوع بسیار مناقشه‌برانگیز است (Christakis, 2012: 6).

### ۳) جبران خسارات و مسئولیت‌پذیری

پس از پایان تجاوز نظامی، سازوکارهای حقوقی باید به سمت جبران خسارات و برقراری عدالت حرکت کنند. دولت مسئول تجاوز نظامی، مسئول جبران تمام خسارات وارده است. این امر شامل خسارات مادی (مانند بازسازی زیرساخت‌ها، غرامت برای اموال نابود شده) و خسارات معنوی (مانند از دست دادن جان، جراحات) می‌شود.

• مسئولیت کیفری افراد (مسئولیت کیفری بین‌المللی): علاوه بر مسئولیت دولت، افراد مسئول (رهبران سیاسی و نظامی) که مرتکب جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت یا نسل‌کشی در جریان تجاوز نظامی شده‌اند، در برابر دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی یا دادگاه‌های ملی با صلاحیت جهانی مورد پیگرد قرار می‌گیرند (Cassese & Gaeta, 2013: 90). پیگرد رهبران صرب بوسنی توسط دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق را می‌توان نمونه‌ای از این مورد دانست. شرح امر به این صورت است که ICTY که یک دادگاه موقت بود، رادوان کاراجیچ (رهبر سیاسی صرب‌های بوسنی) و راتکو ملادیچ (فرمانده نظامی نیروهای صرب بوسنی) را به دلیل فرماندهی و ارتکاب نسل‌کشی در سربرنیتسا (۱۹۹۵) و ارتکاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در جریان جنگ بوسنی، تحت پیگرد قرار داد و هر دوی آن‌ها در نهایت دستگیر، محاکمه و به اتهامات نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت مجرم شناخته شده و به حبس ابد محکوم شدند. این مثال به وضوح نشان می‌دهد که رهبران سیاسی و نظامی مستقیماً مسئول اقدامات ارتكابی در جریان تجاوز و جنگ هستند (Schabas, 2001: 30).

• ترمیم و بازسازی: این مورد، فرآیندهای بین‌المللی برای کمک به بازسازی جوامع آسیب‌دیده، تضمین بازگشت پناهندگان و ایجاد نهادهای پایدار را شامل می‌شود. برنامه بازسازی عراق پس از اشغال ۲۰۰۳ و نقش سازمان ملل نیز مثالی عینی در این مورد است. به طوری که پس از اشغال عراق توسط ائتلافی به رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ و فروپاشی نهادهای دولتی و پس از پایان درگیری‌های عمده، مکانیسم‌های بین‌المللی برای کمک به بازسازی عراق فعال شدند. سازمان ملل متحد (از طریق نماینده ویژه خود) و نهادهای منطقه‌ای در تثبیت اوضاع، کمک به بازگشت میلیون‌ها آواره داخلی و پناهنده و ایجاد نهادهای موقت دموکراتیک نقش داشتند و نهادهایی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و کشورهای کمک‌کننده، میلیاردها دلار برای بازسازی زیرساخت‌ها (نفت، برق، آب) و حمایت از نهادهای امنیتی جدید عراق اختصاص دادند. این تلاش‌ها همگی در راستای تضمین بازگشت پناهندگان و ایجاد نهادهای پایدار، پس از یک مداخله نظامی خارجی صورت گرفت (Chesterman, 2006: 4).

• کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و آشتی: ایجاد نهادهایی برای ثبت و مستندسازی نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، و نیز فراهم کردن بستری برای آشتی ملی و جلوگیری از تکرار خشونت جزو مواردی است که در سازمان ملل به شدت توصیه شده است.

• بازگرداندن دارایی‌های مصادره شده: تلاش برای بازگرداندن اموال و دارایی‌های دولتی یا خصوصی که به طور غیرقانونی توسط دولت متجاوز مصادره شده‌اند، نمونه‌ای مهم از موارد جبران خسارات و مسئولیت‌پذیری کشورها پس از تجاوز نظامی است. بازگرداندن دارایی‌های کویت پس از تجاوز عراق در سال ۱۹۹۰ نمونه‌ای از این مورد است. پس از آزادسازی کویت، سازمان ملل مکانیسم‌های جامعی را برای جبران خسارات وضع کرد. این مکانیسم‌ها شامل «کمیسیون گرامت سازمان ملل» (UNCC) بود. بخش قابل‌توجهی از این جبران خسارات، شامل بازگرداندن دارایی‌ها یا پرداخت غرامت معادل برای اموالی بود که توسط دولت عراق یا نیروهای آن در کویت مصادره، تخریب یا به غارت رفته بودند. این فرایند نمونه‌ای بزرگ از تلاش سازمان‌یافته بین‌المللی برای بازگرداندن دارایی‌های دولتی و خصوصی غارت شده پس از تجاوز نظامی است.

### چالش‌های پیش رو در اجرای مؤثر قوانین بین‌المللی

- با وجود چارچوب‌های حقوقی موجود، اجرای مؤثر قوانین بین‌المللی در قبال تجاوز نظامی با چالش‌های متعدد و پیچیده‌ای روبرو است:
- **عدم اراده سیاسی:** اصلی‌ترین مانع، فقدان اراده سیاسی در میان دولت‌ها، به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت، برای اجرای کامل و بی‌طرفانه قوانین بین‌المللی است. منافع ملی و ژئوپلیتیکی اغلب بر تعهدات حقوقی اولویت می‌یابد.
  - **اثرگذاری حق وتو در شورای امنیت:** حق وتو در شورای امنیت، ابزاری است که می‌تواند از اقدام فوری و قاطع در برابر تجاوز نظامی جلوگیری کند، به‌ویژه زمانی که یکی از اعضای دائم درگیر باشد یا از منافع یک متحد خود حمایت کند. این امر، سیستم امنیت جمعی را در مواقع بحرانی فلج می‌کند (Rajabi et al., 2022: 14).
  - **ابهام در تعریف تجاوز:** با وجود قطعنامه ۳۳۱۴، موارد پیچیده‌ای مانند تجاوز غیرمستقیم (حمایت از گروه‌های مسلح، حملات سایبری) و مسئولیت محافظت (R2P) همچنان محل تفسیر و اختلاف است و می‌تواند بهانه‌ای برای مداخله یا عدم مداخله شود. افزایش حملات سایبری پیچیده علیه زیرساخت‌های حیاتی دولت‌ها (مانند حمله به شبکه برق استونی در ۲۰۰۷، یا حملات سایبری به نهادهای آمریکایی در سال‌های اخیر) ابهام در اقدام را به همراه داشته است. این ابهام، دولتی که مورد حمله سایبری قرار می‌گیرد را در موضع انفعال قرار می‌دهد؛ اگر نتواند حمله را در چارچوب حق دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور) تعریف کند، نمی‌تواند به‌راحتی دست به اقدام متقابل بزند و متجاوز سایبری نیز از مجازات قاطع بین‌المللی مصون می‌ماند.
  - **چالش اثبات تجاوز:** جمع‌آوری شواهد مستدل و بی‌طرفانه در مورد وقوع تجاوز نظامی، به‌ویژه زمانی که دسترسی به منطقه تحت مناقشه محدود باشد، بسیار دشوار است. مثال عینی: سقوط هواپیمای MH17 مالزی بر فراز منطقه تحت کنترل جدایی‌طلبان شرق اوکراین. در این موارد، برای اثبات مسئولیت بین‌المللی، باید ثابت شود که متجاوز کیست و چه ابزاری (مثلاً موشک ساخت کدام کشور) استفاده شده است که از آنجایی که دسترسی به منطقه درگیری تحت کنترل نیروهای متخاصم بود و جمع‌آوری شواهد مستقیم (مانند جعبه سیاه یا بقایای موشک) با دشواری‌های فراوان امنیتی و سیاسی همراه بود، تیم‌های تحقیقاتی بین‌المللی مانند تیم مشترک تحقیقات بین‌المللی (JIT) مجبور شدند با استفاده از روش‌های غیرمستقیم مانند تجزیه و تحلیل شواهد منبع‌باز (OSINT)، داده‌های مخابراتی و شواهد ماهواره‌ای، انتساب شلیک را به نیروهای وابسته به روسیه اثبات کنند که این فرآیند بسیار زمان‌بر و پرچالش بود (23: 2018 Chong & Chang).
  - **اولویت‌بندی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه:** در زمان تجاوز، اغلب پابندی به اصول حقوق بشردوستانه و حفاظت از غیرنظامیان قربانی سیاست‌های نظامی نادیده گرفته می‌شود.
  - **دوگانگی در برخورد:** مشاهده می‌شود که در برخی موارد، جامعه بین‌المللی با قاطعیت بیشتری به تجاوزها واکنش نشان می‌دهد، درحالی‌که در موارد مشابه، با سکوت یا مداخلات برخورد می‌شود. این دوگانگی، اعتبار نظام حقوق بین‌الملل را خدشه‌دار می‌کند (50: 2016: Krefl et al.); مثال عینی در این زمینه، واکنش‌های متفاوت به اشغال نظامی عراق (۲۰۰۳) در مقابل اشغال نظامی کریمه توسط روسیه (۲۰۱۴) بود. به این صورت که حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ توسط ائتلافی به رهبری آمریکا بدون قطعنامه صریح شورای امنیت

در مورد تجاوز صورت گرفت و الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه نیز در سال ۲۰۱۴ شکل گرفت که به‌وضوح نقض آشکار حاکمیت اوکراین بود. در مورد عراق، ساختار اجرایی بین‌المللی نتوانست به‌سرعت و قاطعیت یک نیروی واکنش سریع یا تحریم‌های فلج‌کننده نظامی را بکار گیرد اما در مقابل، در مورد اوکراین، واکنش جامعه بین‌المللی (تحریم‌های شدید اقتصادی و حمایت نظامی از اوکراین) بسیار قاطع‌تر بود. در نتیجه این تفاوت در واکنش‌ها (که اغلب ناشی از میزان نفوذ قدرت‌های بزرگ در هر درگیری است) این برداشت را تقویت می‌کند که اجرای قوانین بین‌المللی نه بر اساس اصول حقوقی، بلکه بر اساس موازنه قدرت ژئوپلیتیکی و منافع اعضای دائمی شورای امنیت صورت می‌گیرد و اعتبار کلی سیستم را تضعیف می‌کند.

• **ضعف نهادهای بین‌المللی (ICC):** برخی نهادهای بین‌المللی، از جمله دیوان کیفری بین‌المللی، با چالش‌های بودجه‌ای، دسترسی محدود به متهمان و فقدان همکاری برخی دولت‌ها روبرو هستند. عدم همکاری کشورهایی مانند ایالات متحده، روسیه و چین با دیوان کیفری بین‌المللی را می‌توان نمونه‌ای از ضعف نهادهای بین‌المللی دانست. این کشورها به پیمان رم ملحق نشده‌اند و از لحاظ عملی، پیگرد رهبران آن‌ها توسط ICC عملاً غیرممکن است (Rajalakshmi, 2025: 3).

• **پیچیدگی فرایند جمع‌آوری شواهد:** تحقیقات میدانی، جمع‌آوری شهادت و اطمینان از صحت و دقت شواهد در مناطق درگیر جنگ، بسیار دشوار و خطرناک است.

• **محدودیت‌های عملیاتی شورای امنیت:** اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت، به‌ویژه در زمینه اقدامات نظامی، مستلزم همکاری و مشارکت دولت‌ها است که همیشه تضمین شده نیست. به‌عنوان مثال، با وجود گزارش‌های متعدد از نقض قوانین بین‌المللی توسط روسیه در مورد تجاوز به خاک اوکراین، قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت به دلیل استفاده روسیه (به‌عنوان عضو دائم دارای حق وتو) از حق وتو، مسدود شدند. این نشان‌دهنده فلج شدن مکانیسم اصلی اجرای بین‌المللی است.

• **بحران پناهندگان و پیامدهای انسانی:** تجاوز نظامی منجر به بحران‌های انسانی گسترده، از جمله آوارگی میلیون‌ها نفر می‌شود که مدیریت آن فراتر از توانایی‌های بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی است. به‌عنوان مثال می‌توان به بحران پناهندگان ناشی از جنگ عراق (۲۰۰۳) اشاره کرد که این موج‌های آوارگی نه تنها فشار اقتصادی و اجتماعی عظیمی بر کشورهای میزبان وارد می‌کند، بلکه اجرای عدالت بین‌المللی را نیز به دلیل پراکندگی شاهدان و پیچیدگی ثبت خسارات دشوار می‌سازد (Lischer, 2008: 14).

• **جنگ‌های ترکیبی و تهدیدات نامتقارن:** ظهور اشکال جدیدی از درگیری، مانند جنگ‌های ترکیبی که شامل عملیات اطلاعاتی، سایبری، اقتصادی و نظامی غیرمتعارف است، اجرای چارچوب‌های حقوقی سنتی را پیچیده می‌سازد (Murray, 2021: 11).

• **مصونیت رهبران:** رهبران سیاسی و نظامی که مرتکب جنایات شده‌اند، اغلب از طریق مصونیت‌های دیپلماتیک، جایگاه حقوقی یا فقدان اراده سیاسی برای استرداد، از پیگرد قانونی فرار می‌کنند.

• **محدودیت‌های صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی:** صلاحیت دیوان، محدود به جنایات رخ داده پس از تأسیس دیوان و در قلمرو یا توسط اتباع کشورهای عضو است، مگر اینکه شورای امنیت موضوع را به دیوان ارجاع دهد (Cassese & Gaeta, 2013: 64). عدم صلاحیت مستقیم دیوان نسبت به جنایات اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی را می‌توان مثالی درباره این مورد، در نظر گرفت. از آنجاکه اسرائیل عضو ICC نیست، دیوان نمی‌توانست به‌طور خودکار وارد عمل شود تا زمانی که دولت فلسطین به‌عنوان یک دولت عضو، صلاحیت دیوان را پذیرفت و پرونده را به آنجا ارجاع داد.

• **مشکل در جبران کامل خسارات:** جبران کامل خسارات وارده به قربانیان تجاوز نظامی، به‌ویژه در جوامع ویران شده، اغلب بسیار دشوار و هزینه‌بر است. مثال عینی این مورد، تلاش‌های طولانی‌مدت برای جبران خسارت قربانیان تجاوز عراق به کویت در دهه ۱۹۹۰ است. اگرچه یک صندوق جبران خسارت تأسیس شد، اما روند توزیع و میزان کامل جبران خسارات برای بسیاری از آسیب‌دیدگان، ده‌ها سال طول کشید و در برخی موارد، مبلغ نهایی کافی نبود. این نشان‌دهنده مشکلات ساختاری در مکانیزم‌های جبران خسارت در مقیاس بین‌المللی است.

### راهکارهای پیشنهادی برای تقویت نظام حقوقی بین‌المللی

برای مقابله مؤثرتر با تجاوز نظامی و تقویت نظام حقوقی بین‌المللی، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردند:

- **اصلاح شورای امنیت:** چالش اصلی در اجرای مؤثر قوانین بین‌المللی علیه تجاوز نظامی، ساختار فعلی شورای امنیت سازمان ملل متحد است که حق و تو را به پنج عضو دائم اعطا می‌کند؛ بنابراین، اصلاح این ساختار از طریق محدود کردن یا تعدیل استفاده از حق و تو، به‌ویژه در مواردی که یکی از اعضای دائم یا متحدین آن مستقیماً درگیر تجاوز هستند، امری حیاتی است تا اقتدار و کارایی شورا در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی افزایش یابد و از فلج شدن نهاد در برابر نقض‌های فاحش منشور جلوگیری شود.
- **توسعه حقوق بین‌الملل عرفی:** توسعه حقوق بین‌الملل عرفی در قبال تجاوز نظامی مستلزم تبدیل قواعد پذیرفته شده در قطعنامه‌های غیرالزام‌آور نهادهایی نظیر مجمع عمومی سازمان ملل، همچون قطعنامه ۳۳۱۴ (تعریف تجاوز)، به قواعدی الزام‌آور از طریق رویه عملی مداوم و پذیرش عمومی توسط دولت‌ها است؛ این فرآیند به دنبال آن است که چارچوب‌های اخلاقی و سیاسی موجود در قطعنامه‌ها، پس از انطباق با عمل و پذیرش گسترده دولت‌ها، به بخشی غیر قابل انصراف از حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شوند و قابلیت اعمال مستقیم و الزام‌آور در محاکم بین‌المللی را بیابند.
- **تقویت نقش دیوان کیفری بین‌المللی:** تقویت نقش دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان ابزاری کلیدی برای مقابله با تجاوز نظامی و جنایات مرتب، نیازمند یک استراتژی چندوجهی است که شامل گسترش دامنه صلاحیت دیوان از طریق تشویق پیوستن تمامی دولت‌های جهان به اساسنامه رم (اساسنامه دیوان) می‌باشد؛ علاوه بر این، ضروری است که جامعه بین‌المللی با تأمین منابع مالی کافی و حمایت سیاسی پایدار، از استقلال و توان عملیاتی دیوان برای تحقیق و محاکمه مؤثر ناقضان قوانین بین‌المللی اطمینان حاصل کند تا مانع از تبدیل شدن این دیوان به نهادی صرفاً نمادین گردد.
- **توسعه مکانیسم‌های داوری و قضاوت اجباری:** برای جلوگیری از تبدیل شدن اختلافات بین‌دولتی به تجاوز نظامی، توسعه مکانیسم‌های قضاوت و داوری اجباری از اهمیت بالایی برخوردار است؛ این امر مستلزم ترغیب فعالانه دولت‌ها به پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری، برای حل و فصل دعاوی پیش از تشدید تنش‌ها است، به‌نحوی که پذیرش صلاحیت دیوان به‌جای یک گزینه اختیاری، به یک هنجار پذیرفته شده در نظام حقوقی بین‌الملل تبدیل شود تا مکانیسم‌های صلح‌آمیز حل و فصل اختلافات به ابزارهای مؤثر و اولیه در روابط بین‌المللی تبدیل گردند.
- **تقویت سیستم هشدار اولیه:** تقویت سیستم‌های هشدار اولیه برای مقابله مؤثر با تجاوز نظامی، مستلزم ایجاد سازوکارهای اطلاعاتی و تحلیلی قدرتمندتر و فراگیرتر است تا امکان شناسایی زودهنگام تنش‌ها، بسیج نظامی غیرمتعارف و تهدیدات بالقوه تجاوز نظامی فراهم آید؛ این امر باید با یک برنامه اقدام سیاسی و دیپلماتیک هماهنگ شود که در لحظه شناسایی تهدید، امکان اتخاذ فوری اقدامات پیشگیرانه، میانجیگری قاطع و اعمال فشار سیاسی همدفند را فراهم آورد و از تبدیل شدن بحران‌های بالقوه به منازعات مسلحانه بالفعل جلوگیری نماید.
- **توسعه مفهوم مسئولیت محافظت:** یکی از چالش‌های کلیدی در اجرای قوانین بین‌المللی، این مورد است که نیازمند روشن‌سازی و تدوین دقیق‌تر چارچوب‌های عملیاتی آن می‌باشد؛ این امر باید با هدف ایجاد یک اجماع بین‌المللی مستحکم صورت گیرد تا شرایط و نحوه مداخله در موافقی که دولتی قادر یا مایل به محافظت از جمعیت خود در برابر جنایات فجیع جمعی (مانند نسل‌کشی، جنایات جنگی و پاک‌سازی قومی) نیست، به‌وضوح تعریف شود؛ تأکید اصلی باید بر ابعاد پیشگیرانه و دیپلماتیک این مسئولیت باشد و نه صرفاً بر مداخله نظامی، تا این مفهوم به ابزاری جامع برای حفظ جان انسان‌ها تبدیل گردد (Barkholdt & Winkelmann, 2019: 16).
- **چارچوب‌بندی حقوقی برای تهدیدات نوین:** مورد اساسی دیگر، تدوین یک چارچوب حقوقی بین‌المللی به‌روز برای رسیدگی به تهدیدات نوین نظامی و امنیتی است؛ این امر مستلزم تلاش منسجم برای دستیابی به توافق جهانی در خصوص تعریف دقیق «تجاوز غیرمستقیم» و همچنین تدوین قواعد مشخص و لازم‌الاجرا در مورد مصادیق جدید درگیری مسلحانه، از جمله حملات سایبری مخرب، استفاده از پهپادهای مسلح خارج از کنترل‌های سنتی، و شکل‌گیری جنگ‌های ترکیبی است تا نظام حقوقی موجود بتواند با تحولات سریع فناوری و تاکتیک‌های

نظامی همگام شده و ابزارهای لازم برای پاسخگویی به این اشکال جدید نقض صلح بین‌المللی را فراهم آورد.

• **تقویت نقش سازمان‌های منطقه‌ای:** تقویت نقش سازمان‌های منطقه‌ای، نظیر اتحادیه آفریقا، اتحادیه اروپا و سازمان کشورهای آمریکایی، به‌عنوان خط مقدم واکنش به تجاوزات نظامی احتمالی، امری حیاتی است؛ این امر نیازمند توانمندسازی این نهادها از طریق واگذاری اختیارات مشورتی و اجرایی فعال‌تر در فرآیندهای پیشگیری از منازعه، مدیریت بحران‌های محلی و میانجیگری زودهنگام در اختلافات منطقه‌ای است، به‌نحوی که این سازمان‌ها بتوانند بر اساس شناخت عمیق‌تر از بافت منطقه‌ای، سریع‌تر و مؤثرتر از نهادهای جهانی واکنش نشان دهند و به‌موازات سازوکارهای جهانی، امنیت جمعی منطقه‌ای را تضمین نمایند.

• **تقویت سازوکارهای اجرای احکام بین‌المللی:** برای تضمین اثربخشی قوانین بین‌المللی، ضروری است که سازوکارهای اجرایی احکام قضایی بین‌المللی تقویت شوند تا اطمینان حاصل گردد که دولت‌ها و افراد مسئول در قبال تجاوز نظامی مورد بازخواست قرار می‌گیرند. این امر مستلزم توسعه ابزارهای الزام‌آورتر و سریع‌العمل‌تر برای اعمال عواقب حقوقی بر متجاوزان است. این اقدام کلیدی‌ترین گام برای اثبات جدیت جامعه جهانی در قبال نقض منشور ملل متحد محسوب می‌شود.

• **توسعه صندوق‌های جبران خسارات:** یکی از راه‌حل‌های ضروری، ایجاد و تقویت صندوق‌های بین‌المللی متمرکز برای جبران خسارات است که مستقیماً قربانیان تجاوز نظامی را مورد حمایت قرار دهد. این صندوق‌ها باید با منابع تضمین‌شده، به بازسازی زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع آسیب‌دیده کمک کنند. این رویکرد، جنبه بشردوستانه پاسخ به تجاوز را محقق ساخته و بر دوش جامعه جهانی هزینه بازسازی را توزیع می‌کند.

• **مستندسازی جامع نقض‌ها:** حمایت از نهادهای مستقل و بی‌طرف برای جمع‌آوری دقیق و جامع شواهد نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در جریان تجاوز نظامی حیاتی است. این مستندسازی دقیق پایه و اساس هرگونه اقدام قضایی آتی در دادگاه‌های بین‌المللی و ملی را فراهم می‌سازد. دقت و بی‌طرفی در این مرحله ضامن اعتبار فرآیند پاسخگویی در آینده خواهد بود.

• **آموزش حقوق بین‌الملل:** افزایش آگاهی و آموزش عمومی و تخصصی در مورد مبانی حقوق بین‌الملل، به‌ویژه در زمینه تجاوز نظامی و محدودیت‌های آن، یک استراتژی پیشگیرانه مهم است. این آموزش‌ها باید بر روی مسئولیت‌های دولت‌ها و افراد در قبال قوانین حاکم بر جنگ و صلح متمرکز باشند. نهادینه‌سازی دانش حقوقی، مقاومت در برابر اقدامات تجاوزکارانه را در سطح بین‌المللی تقویت می‌کند.

• **افزایش شفافیت اطلاعاتی:** برای جلوگیری از سوءتفاهم‌هایی که می‌تواند به تشدید تنش‌ها منجر شود، دولت‌ها باید ترغیب به تبادل اطلاعات دقیق در مورد فعالیت‌های نظامی خود گردند. ایجاد کانال‌های ارتباطی رسمی و دوجانبه یا چندجانبه، امکان راستی‌آزمایی و کاهش تنش‌های ناشی از اطلاعات نادرست یا فعالیت‌های پنهانی را فراهم می‌آورد. این شفافیت باید به‌عنوان یک اصل پیشگیرانه در روابط بین‌کشورها تثبیت شود.

• **همکاری در مبارزه با تروریسم و گروه‌های مسلح غیردولتی:** شناسایی این واقعیت که تجاوز نظامی گاهی اوقات توسط دولت‌ها یا با پشتیبانی پنهان آن‌ها از طریق گروه‌های مسلح غیردولتی صورت می‌گیرد، همکاری بین‌المللی قوی‌تری را ایجاد می‌کند. این همکاری باید بر کنترل، محدودسازی منابع و انهدام شبکه‌های پشتیبانی این گروه‌ها متمرکز باشد تا از ابزارهای غیردولتی به‌عنوان پوششی برای تجاوز نظامی دولتی جلوگیری شود.

• **اتحاد در مقابل نقض قوانین:** ضروری است که جبهه‌ای متحد از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در برابر هرگونه نقض آشکار حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد شکل گیرد. این اتحاد باید خود را در محکومیت قاطع و اعمال واکنش‌های هماهنگ سیاسی، اقتصادی یا حقوقی نشان دهد. ایجاد یک موضع واحد و غیرقابل‌نفوذ، بازدارندگی قوی‌تری در برابر دولت‌هایی که قصد تجاوز دارند، ایجاد می‌کند.

• **آموزش حقوق بین‌الملل:** افزایش آگاهی عمومی و تخصصی نسبت به قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل، به‌ویژه مقررات مربوط به ممنوعیت توسل به زور، امری اساسی است. این آموزش‌ها باید پیامدهای حقوقی و اخلاقی تجاوز نظامی را برای مقامات و شهروندان روشن سازند. نهادینه‌سازی دانش حقوقی، زمینه را برای درخواست پاسخگویی عمومی فراهم می‌آورد.

• **شفافیت در سیاست‌های دفاعی:** دولت‌ها باید تشویق شوند تا اطلاعات مربوط به قابلیت‌های نظامی استراتژیک و دکترین‌های

دفاعی خود را با شفافیت بیشتری به اشتراک بگذارند. این امر به کاهش سوءظن‌ها و محاسبات اشتباه توسط طرفین مقابل کمک می‌کند و اعتماد متقابل را در روابط بین‌المللی تقویت می‌نماید. این شفافیت به‌عنوان یک اقدام اعتمادساز عمل می‌کند.

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی جامع ابعاد حقوقی تجاوز نظامی و راهکارهای مقابله با آن در نظام بین‌المللی پرداخت. با توجه به تحولات تاریخی و چالش‌های معاصر، تلاش برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از توسل غیرقانونی به زور، همچنان یکی از اساسی‌ترین اهداف حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چارچوب حقوقی بین‌المللی، شامل قواعد مربوط به ممنوعیت توسل به زور (ماده ۴/۲ منشور ملل متحد) و حق دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور)، مبنای اصلی مقابله با تجاوز نظامی را تشکیل می‌دهد. با این حال، اجرای مؤثر این قواعد با چالش‌های متعددی روبرو است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نارسایی‌های ساختاری نهادهای بین‌المللی: حق وتو در شورای امنیت، عدم پذیرش صلاحیت اجباری دیوان‌های بین‌المللی توسط همه دولت‌ها و محدودیت‌های عملی دیوان کیفری بین‌المللی، کارایی این نهادها را در برخورد با متجاوزان کاهش داده است.

۲. ابهامات و خلأهای حقوقی: تعریف و اثبات تجاوز غیرمستقیم، مقابله با تهدیدات نوین مانند حملات سایبری و استفاده از پهپادها و همچنین چالش‌های مربوط به اشاعه و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی، نیازمند بازنگری و توسعه قواعد حقوقی بین‌المللی است.

۳. ضعف اراده سیاسی و اجرای تعهدات: تفاوت منافع ملی، تفسیرهای گزینشی از قواعد و عدم تمایل برخی دولت‌ها به پایبندی کامل به تعهدات بین‌المللی، مانعی جدی در راه اجرای مؤثر راهکارهای حقوقی محسوب می‌شود.

در پاسخ به این چالش‌ها، مقاله بر لزوم اتخاذ رویکردی چندوجهی تأکید دارد که شامل موارد زیر است:

- تقویت نهادهای بین‌المللی: اصلاح ساختاری و رویه‌های نهادهایی مانند شورای امنیت، تشویق به پذیرش صلاحیت دیوان‌های بین‌المللی، و گسترش همکاری‌های قضایی؛
  - توسعه حقوق بین‌الملل: تدوین معاهدات جدید و تفسیر خلاقانه قواعد موجود برای پوشش‌دادن ابعاد نوین تجاوز و تسلیحات کشتار جمعی؛
  - ترویج فرهنگ صلح و مسئولیت‌پذیری: آموزش حقوق بین‌الملل، افزایش شفافیت و حمایت از جامعه مدنی برای ایجاد یک بستر فرهنگی و سیاسی مساعد جهت پایبندی به قواعد بین‌المللی.
- در نهایت، مقابله با تجاوز نظامی، صرفاً یک مسئله حقوقی نیست، بلکه نیازمند تعهد سیاسی، اراده جمعی، و تلاش مستمر برای ساختن جهانی عادلانه‌تر و امن‌تر است. حقوق بین‌الملل، با تمام محدودیت‌هایش، قوی‌ترین ابزار موجود برای دستیابی به این هدف است و تقویت آن، مسئولیتی همگانی به شمار می‌رود.

منابع

- Greenwood, C. (2002). International Law Reports. The Cambridge Law Journal, 61. (3), 547-597.
- Barkholdt, J., & Winkelmann, I. (2019). Responsibility to Protect. In Oxford Public International Law. Oxford University Press.
- Britting, E., & Spitzer, H. (2002). The open skies treaty. Verification Yearbook, 221-237.
- Casey-Maslen, S., Vestner, T. (2022). International Law and Policy on the Protection of Civilians. United Kingdom: Cambridge University Press.
- Cassese, A., & Gaeta, P. (2013). Cassese's international criminal law (3rd ed.). Oxford University Press.
- Chesterman, S. (2006). Reforming the United Nations: Legitimacy, effectiveness and power after Iraq. SYBIL, 10, 59.

- Chong, A., & Chang, J. Y. (2018). The international politics of air disasters: Lessons for aviation disaster governance from Asia, 2014–2015. *Cambridge Review of International Affairs*, 31(3-4), 249-271.
- Christakis, T. (2012). Intervention and self-help. In *The ICJ and the Evolution of International Law* (pp. 211-225). Routledge.
- Crawford, J. (2019). *Brownlie's principles of public international law* (9th ed.). Oxford University Press.
- Dinstein, Y. (2017). *War, aggression and self-defence*. Cambridge University Press.
- Eritrea-Ethiopia Boundary Commission (EEBC): Decision Regarding Delimitation of the Border between the State of Eritrea and the Federal Democratic Republic of Ethiopia. (2002). *International Legal Materials*, 41(5), 1057–1134. doi:10.1017/S0020782900010408
- Evans, M. (2024). *International law* (6th ed.). Oxford University Press.
- Härtel, A., Pisarenko, A., & Umland, A. (2021). The osce's Special Monitoring Mission to Ukraine: Thesmm's Work in the Donbas and Its Ukrainian Critique in 2014–2019. *Security and Human Rights*, 31(1-4), 121-154. <https://doi.org/10.1163/18750230-bja10002>
- Hironobu, S. (2007 [published 2020]). "As if Acting under Chapter VII of the UN Charter?..." *Asian Yearbook of International Law*, 13, 103–125. Brill Nijhoff.
- International Committee of the Red Cross. (n.d.). Implementation mechanisms - How does law protect in war?. ICRC Casebook on International Humanitarian Law. Retrieved [2025 اکتبر], from <https://casebook.icrc.org/law/implementation-mechanisms>
- Kreß, C., & Barriga, S. (Eds.). (2016). *Crime of Aggression and the Future World Order*. In *The Crime of Aggression: A Commentary* (pp. 1115–1500). part, Cambridge: Cambridge University Press.
- Lischer, S. K. (2008). Security and displacement in Iraq: responding to the forced migration crisis. *International Security*, 33(2), 95-119.
- Maslen, S. C (2021), *Arms Control and Disarmament Law, Elements of International Law*, Oxford Law Pro), <https://doi.org/10.1093/law/9780198865032.001.0001>, accessed 28 Sept. 2025.
- Murray, R. C. (2021). Hybrid Wars: Technological Advancements and the Generational Evolution of Warfare. *Small Wars Journal*, 45-62.
- Perina, R. (2014, April). The Inter-American democratic regime: The role of the Organization of American States in promoting and defending democracy.
- Rajabi, S. , mir abbasi, B. and salahi, S. (2022). Review veto procedures in the UN Security Council. *Legal Research Quarterly*, 25(99), 11-40. doi: 10.29252/jlr.2022.221941.1911
- Rajalakshmi, S. (2025, February). Non-cooperation with the International Criminal Court: Legal challenges and geopolitical realities. *International Journal of Information Research and Review*, 12(2), 7929–7933.
- Schabas, W. A. (2001). Was Genocide Committed in Bosnia and Herzegovina-First Judgments of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia. *Fordham Int'l LJ*, 25, 23.
- UN (United Nations). (2021). UNFICYP Mandate and Operations Reports. <https://www.securitycouncilreport.org/un-documents/cyprus/>
- Walzer, M. (2006). *Just and unjust wars: A moral argument with historical illustrations* (Unabridged). Basic Books.
- Wright Q. (1935). The Concept of Aggression in International Law. *American Journal of International Law*, 29(3);373-395. doi:10.2307/2190417